

مقایسه خودسرکوب گری عاطفی در زنان مورد خشونت و عادی

آمنه صفرآبادی فراهانی^۱، حسین منیعی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره فدا دانشگاه آزاد واحد تهران شمال (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناس ارشد روانشناسی دانش آموخته دانشگاه آزاد واحد گرمسار

چکیده

هدف تحقیق حاضر مقایسه خودسرکوب گری عاطفی در زنان مورد خشونت و عادی شهر تهران است. پژوهش حاضر از نظر هدف جزء پژوهش های توصیفی علی - مقایسه ای می باشد که با استفاده از پرسشنامه سرکوب عاطفی وینبرگر^۱ ۸۴ سؤال اجرا شده است. گروه نمونه با روش غیرتصادفی و در دسترس شامل ۴۰ نفر از زنان عادی و مورد خشونت از جامعه آماری زنان شهر تهران است که در سال ۱۴۰۱ به کلینیک های مشاوره ای و روانشناسی مراجعه کردند. به منظور تجزیه و تحلیل در سطح توصیفی از شاخص های مرکزی و جدول فراوانی و درصد برای متغیرهای جمعیت شناختی و جهت تعیین نرمال بودن داده ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف تک نمونه ای و در سطح استنباطی از واریانس چندمتغیره (مانوآ) استفاده شد. یافته ها نشان داد گروه خودسرکوب گری عاطفی در زنان عادی میانگین بالاتری دارند. نتایج نشان داد که تفاوت بین دو گروه زنان عادی و مورد خشونت شهر تهران در مؤلفه های پریشانی، خویشتن داری و تدافعی بودن تأیید می گردد.

واژه های کلیدی: خود سرکوب گری، زنان مورد خشونت، زنان عادی

^۱Weinberger

مقدمه

خشونت علیه زنان یکی از معضلات اجتماعی کلیه کشورهای دنیا به حساب می آید و فقط خاص کشورهای جهان سوم و مسلمانان نیست. در واقع پدیده ای است کهن و جهانی که تمام کشورها متناسب با ویژگی های خود، باید ریشه های آن را بشناسد و با بسیج تمام امکانات به کنترل و مهار آن بپردازند و این الگوحتما باید با زمینه های فرهنگی اجتماعی مختلف کشورهایی گوناگون منطبق شود (کارین، ۲۰۱۴). از مشخصات خشونت علیه زنان این است که از نظرها پنهان بوده و زنان تا کارد به استخوان شان نرسد از زندگی خشونت آمیز خود حرفی نمی زنند. در ایران نیز در اثر فشارهایی سنتی هزار ساله مبارزه با خشونت علیه زنان آسان نیست. به طور کلی فرهنگ ایرانی خشونت علیه زنان را روا می دارد براساس یافته های پیمایش ملی قربانی شدن زنان در آمریکا، تقریبا از زنان مورد تحقیق نشان داده اند که در طول عمرشان توسط شریک جنسی مورد حمله قرار گرفته اند. شواهد و مدارک نشان می دهد که در سال های اخیر خشونت های خانوادگی افزایش یافته، به طوری که در آمریکا میزان جرایم خشونت آمیز در خانواده حدود بیست نه درصد نسبت به سایر محیط های اجتماعی بیشتر شده است. زنان حدود هشتاد و پنج درصد قربانیان خشونت خانگی می باشند، در ایران نیز خشونت خانوادگی از همان سال ها آغاز ازدواج شروع می شود. مثلا در مصاحبه با زنانی که به مراکز مشاوره بهزیستی در تهران مراجعه می کردند، مشخص شده از زنان کتک خوردن در خانواده آنها وجود نداشته است. اما بقیه به کرات شرایط زندگی خانوادگی بد و مشاجرات خانوادگی را جزئی از زندگی روزمره عنوان کرده اند. و حدود زنان آغاز خشونت در همان شب اول ازدواج بود در مهمترین پژوهش پیمایشی درباره خشونت علیه زنان در ایران در ۲۸ استان در دفتر امور اجتماعی وزارت و مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری اجرا شد. یافته های طرح ملی نشان می دهد که ۶۶ درصد زنان ایرانی از ابتدای زندگی مشترک شان حداقل یکبار مورد خشونت قرار گرفته اند. یافته های این تحقیق نشان می دهد که بیشتر تحت خشونت های روانی و کلامی (۵۲،۷ درصد) قرار دارند. ۸/۸۹ درصد از زنان ایرانی گفته اند که در طول زندگی مشترک خود هرگز قربانی خشونت های جنسی و ناموسی نبوده اند در این تحقیق وضعیت تحصیلی بر میزان همسر آزاری تاثیر دارد. زنان بی سواد بیشترین و زنان دارای فوق دیپلم و لیسانس کمترین خشونت را از اول زندگی مشترک خود تجربه کرده اند. زنان غیر شاغل نیز بیشتر و زنان شاغل کمتر خشونت را تجربه کرده اند. زنان ۵۵-۵۹ ساله بالاترین و زنان ۲۰-۲۴ ساله پایین ترین موارد خشونت را در زندگی مشترک خود داشته اند. ریشه این نوع خشونت تک علتی نمی باشد و بیشتر ریشه فرهنگی و ساختاری دارد. اما عوامل گوناگونی از جمله میزان تحصیلات، عامل اقتصادی-اجتماعی، اعتیاد، اختلالات شخصیتی و نحوه جامعه پذیری و تربیت فرد و... موثر می باشد. اما عوامل علیه زنان در ابعاد روانی، جنسی، جسمی، مالی، اجتماعی و فرهنگی اتفاق می افتد که پیامدهای جبراته ناپذیری از جمله روانی، استرس و فشار، اختلالات جسمی خصوصا بر فرزندان وارد می کند. و زنان تا خطر را کاملا احساس نکنند لب به شکایت باز نمی کنند چون افشاء آن می تواند بر وخامت رابطه زن و شوهر بیفزاید در نتایج اغلب تحقیقات نشان داده شده که این افراد از خانواده های بر می آیند که کتک زدن یک رفتار عادی تلقی می شود و خودشان در دوران کودکی شاهد خشونت بوده اند. بنابراین بررسی این پدیده هم برای مسئولان کشور هم برای کنش گران اجتماعی که در جامعه زندگی می کنند اهمیت دارد. چون فرد پر خاشگرو خشن هرگز نمی تواند مورد اعتماد جامعه

باشد. و به دلیل نقش حساس زن در خانواده که نوعی پیونده اخلاقی و عاطفی بین اعضای خانواده برقرار می کند، نباید آنرا به عنوان موجودی فرودست به حساب آورد (راک، ۲۰۱۵).

بیان مساله

خشونت و بدرفتاری نسبت به همسر پدیده ای شایع در بسیاری از ممالک جهان است و مطالعات زیادی بر شیوع بالای خشونت نسبت به زن توسط شوهر در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه اشاره دارد. مطالعه ای نشان داده است که در انگلستان از هر پنج زن، یک زن قربانی خشونت همسر می شود. خشونت خانوادگی و خشونت نسبت به زنان در خانواده یکی از مباحثی است که مولد عقاید و نظرگاه های گوناگونی می باشد. این گونه عقاید، ممکن است ناشی از اطلاعات و داده های نادرست باشند. بدون داشتن اطلاعات درست در خصوص خشونت خانوادگی، احتمال ترویج و اشاعه ی توجیه این مطلب و در نتیجه افزایش آن در سطح جامعه، افزایش می یابد (تورپی، ۲۰۱۳). یکی از مهمترین وظایف محققین در این زمینه، شناسایی اسطوره ها و تفکرات غلط در خصوص خشونت خانوادگی می باشد. زوجین و خانواده ها در طول زندگی خود با مشکلات فراوانی مواجه می شوند که تحمل ناکامی را ندارند که این عدم تحمل ناکامی سازگاری را مختل میکنند. ناکامی را میتوان چالشی دائمی در زندگی دانست. چالشی که به عقیده روان شناسان دو معنای اساسی را دربرمی گیرد: الف. حالت و وضعیت عاطفی. بدین معنا که هرگاه مانعی راهدست یابی به آرزوها را، نیازها و فعالیتها را سد نماید، حالت و وضعیتی در انسان به وجود می آید که ناخوشایند بوده و به عنوان یک عامل ناکام کننده شناخته میشود. ب. مانعی که ایجادکننده حالتی ناخوشایند است از آنجاکه آرزوها، نیازها و اهداف انسانها متفاوت است؛ بنابراین آنچه برای یک شخص ناکام کننده است، ممکن است برای دیگری آنگونه نباشد. ازاینرو ناکامی با وضعیتهای عاطفی ناخوشایندی چون اضطراب، افسردگی، هیجان پذیری منفی و خشم رابطه داشته است و با بروز آن افراد سعی میکنند راههایی را به منظور اجتناب، فرار یا کاهش ناکامی جستجو نمایند (رزونبرگ، ۲۰۱۴). با توجه به اهمیت تحمل ناکامی در بروز خیانت پژوهش حاضر به بررسی و مقایسه این مهم در زنان مورد خشونت و عادی پرداخته است. از دیگر متغیرهای مهم که در بروز خشونت تاثیر گذار است و باعث خشونت علیه زنان می گردد سرکوب گری عاطفی است. بر اساس پژوهش صورت گرفته شده افرادی که هیجانات خود را ابراز نمی کنند و آنها را سرکوب می کنند بیشتر از افرادی که هیجانات خود را ابراز می کنند، مستعد خشونت و در مواقعی افسردگی هستند. بر اساس این پژوهش افراد افسرده تمایل زیادی به کنترل هیجانات خود دارند. بنابراین هیجانات منفی ابرازنشده متوجه خود فرد میشود. به بیان دیگر با سرکوب هیجان خشم و ابراز نکردن آن، خشم متوجه خود فرد میشود. یکی از عوامل کلیدی در ارزیابی فرد نسبت به میزان تفاهم در زندگی و به طور کلی کیفیت و تداوم رابطه زناشویی به طور اخص، رضایت جنسی در رابطه زناشویی محسوب می شود. روابط رضایت بخش زوجین از طریق علاقه متقابل و میزان مراقبت ازهمدیگر و پذیرش و تفاهم

^۲-Rac

^۴-Torpy

^۵-Rezenberg

یکدیگر قابل ارزیابی است. رضایت جنسی مولفه‌ای مرتبط با تمایلات جنسی انسان است که به عنوان آخرین مرحله از چرخه پاسخ جنسی وی در نظر گرفته می‌شود (سانتیلّا^۱، ویجر^۲، ویتینگ^۳، هالا^۴، جرن^۵؛ لجانسون^۶، ۲۰۰۸).

هدف پژوهش: تعیین تفاوت خودسرکوب گری عاطفی در زنان مورد خشونت و عادی

فرضیه: بین خودسرکوب گری عاطفی در زنان مورد خشونت و عادی تفاوت معنادار وجود دارد.

تعریف نظری:

سرکوب عاطفی: سرکوب عاطفی برای اندازه گیری سه مؤلفه پریشانی، خویشتن داری و تدافعی بودن افراد استفاده می‌شود. و معمولاً احساسات و عواطفی رو که دچار سرکوبی شدند می‌سنجد. (بخشی، ۱۳۹۸).

تعریف عملیاتی:

سرکوب عاطفی: نمره ای است که شرکت کنندگان در تحقیق حاضر از پاسخگویی به پرسشنامه سرکوب عاطفی وینبرگر کسب کردند.

روش پژوهش: پژوهش حاضر در زمره طرح های علی- مقایسه ای قرار دارد که طی آن به مقایسه خودسرکوب گری عاطفی در زنان مورد خشونت و عادی شهر تهران می‌پردازد.

جامعه آماری و روش نمونه گیری: جامعه آماری پژوهش دربرگیرنده زنان مورد خشونت و عادی شهر تهران است که در سال ۱۴۰۱ به مراکز مشاوره و روان شناسی مراجعه می‌کنند. **نمونه و روش نمونه‌گیری:** جهت انجام پژوهش تعداد ۴۰ نفر شامل دو گروه ۲۰ نفره از زنان مورد خشونت و عادی شهر تهران انتخاب شدند. زنان مورد خشونت شهر تهران که در سال جاری به مراکز مشاوره بعثت خشونت دیدگی مراجعه نموده اند که همین تعداد بصورت داوطلب و تمایل شخصی به همکاری با محقق اعلام آمادگی نمودند که در کل تعداد آنان ۲۰ نفر بودند و در ادامه دو گروه زنان مورد خشونت و عادی از نظر ویژگی های جمعیت شناختی مانند سن، میزان تحصیلات، شغل وضعیت اقتصادی همسازی شدند.

^۱ Santtila

^۲ Wager

^۳ Witting

^۴ Harlaar

^۵ Jern

^۶ Johansson

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه سرکوب عاطفی: پرسشنامه سرکوب عاطفی وینبرگر^{۸۴} سؤال دارد که هرکدام طبق مقیاس پنج گزینه ای شماره گذاری می شوند. این پرسشنامه برای اندازه گیری سه مؤلفه پریشانی، خویشتن داری و تدافعی بودن استفاده می شود. مؤلفه پریشانی ۲۹ سؤال دارد، در چهار بعد طبقه بندی میشود و شامل اضطراب، افسردگی، عزت نفس کم و احساس خوب بودن کم است. خویشتن داری ۳۰ سؤال دارد، در چهار بعد طبقه بندی می شود و سرکوب خشم، کنترل تکانه، مسئولیت پذیری و ملاحظات رفتاری دیگر را دربرمی گیرد. تدافعی بودن نیز ۱۱ سؤال در دو بعد و دارد: سرکوب دفاعی بودن و انکار پریشانی. میزان پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر محاسبه خواهد شد.

روش اجرای پژوهش: در این پژوهش، پس از انتخاب افراد نمونه و تهیه ابزارهای اندازه گیری متغیرها، پرسشنامه ها در اختیار افراد قرار گرفت. برای اطمینان از پاسخ های صادقانه، توضیحات شفاهی به آزمودنی ها ارائه شد و نگرانی برخی از آنها، در خصوص حفظ اطلاعات شخصی آنان برطرف شد. در نهایت، پرسشنامه ها جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

روش ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده ها: بعد از جمع آوری داده ها با بهره گیری از آمار توصیفی (درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار) به مقایسه ویژگی های دموگرافیک آزمودنی ها و متغیرهای پژوهش پرداخته شد و در بخش دوم، جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار spss استفاده شد. در سطح استنباطی با تحلیل کوواریانس چند متغیره به آزمون فرضیه های پژوهش پرداخته شد.

یافته های پژوهش:

متغیرهای جمعیت شناختی: در هر پژوهشی آمار توصیفی و بررسی متغیرهای جمعیت شناختی یکی از بخش های مهم آن فرایند محسوب می شود که در جای خود از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار است، لذا تحلیل این بخش از داده ها نیز در فرایند پژوهش مفید و مؤثر خواهد بود.

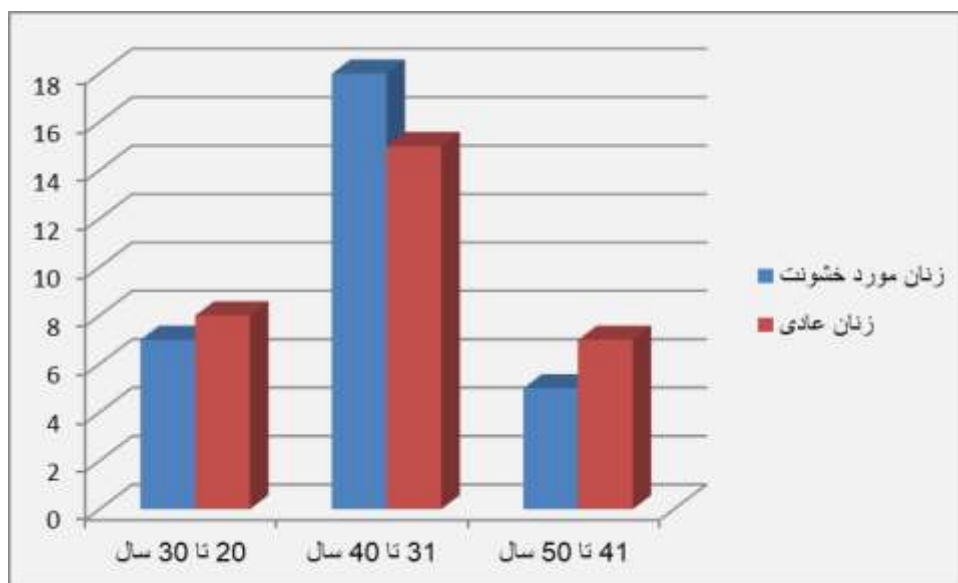
سن

جدول ۴-۱. توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه به تفکیک سن

| گروه | شاخص آماری سن | فراوانی |
|-----------------|------------------|---------|
| زنان مورد خشونت | ۲۰ تا ۳۰ سال | ۷ |
| | ۳۱ تا ۴۰ سال | ۱۸ |
| | ۴۱ تا ۵۰ سال | ۵ |

^{۸۴}Weinberger

| | | |
|----|--------------|-----------|
| ۸ | ۲۰ تا ۳۰ سال | زنان عادی |
| ۱۵ | ۳۱ تا ۴۰ سال | |
| ۷ | ۴۱ تا ۵۰ سال | |



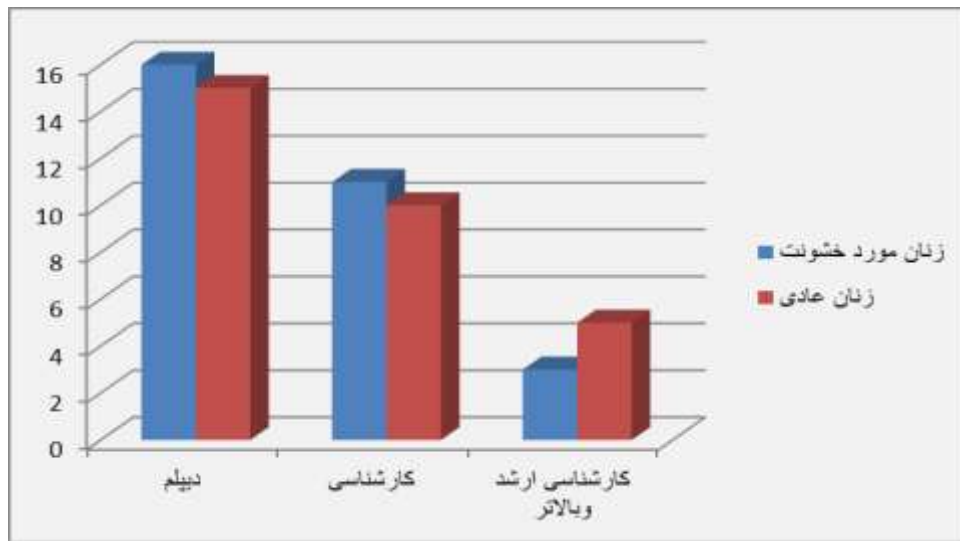
نمودار ۴-۱ توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه به تفکیک سن

مطابق با جدول (۴-۱) و نمودار (۴-۱) بیشترین فراوانی در هر دو گروه برای زنان بین ۳۰ تا ۴۰ سال است.

■ تحصیلات

جدول ۴-۲. توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه به تفکیک تحصیلات

| گروه | شاخص آماری | فراوانی |
|-----------------|------------------------|---------|
| تحصیلات | | |
| زنان مورد خشونت | دیپلم | ۱۶ |
| | کارشناسی | ۱۱ |
| | کارشناسی ارشد و بالاتر | ۳ |
| زنان عادی | دیپلم | ۱۵ |
| | کارشناسی | ۱۰ |
| | کارشناسی ارشد و بالاتر | ۵ |



نمودار ۴-۲ توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه به تفکیک تحصیلات

تحلیل آماری فرضیه‌های پژوهش: آمار استنباطی بخش اصلی تحلیل آماری را در بر می‌گیرد، در این پژوهش، متغیر خودسرکوب گری عاطفی، در دو گروه زنان مورد خشونت و زنان عادی مورد بررسی قرار گرفته است و فرضیه‌ها مطابق با موضوع تحقیق طراحی شده است که برای سنجش آنها از آزمون t دو گروهی مستقل و تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شده و در تمام مراحل تحقیق از نرم‌افزار آماری SPSS کمک گرفته شده است. در بکارگیری روش‌های آماری پارامتریک، ابتدا باید مفروضات آزمون مورد تأیید قرار بگیرد تا بتوان از آزمون مورد نظر استفاده کرد؛ بنابراین ابتدا مفروضات آزمون t دو گروهی مستقل و تحلیل واریانس «استقلال مشاهدات، نرمال بودن توزیع متغیر وابسته، همگنی واریانس‌ها» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیش‌فرض‌های آماری

▪ استقلال مشاهدات

مستقل بودن به این معنی است که نمره هر فرد در متغیر همراه و وابسته، مستقل از نمره‌های تمام آزمودنی‌های دیگر است. این شرط برقرار بود زیرا پاسخ‌های آزمودنی‌ها به سؤالات تحت تأثیر آزمودنی‌های دیگر نبود.

▪ آزمون کولموگروف اسمیرنوف تک نمونه‌ای (آزمون نرمال بودن داده‌ها)

جدول ۴-۵ آزمون کولموگروف اسمیرنوف تک نمونه‌ای

| متغیرها | خودسرکوب |
|---------|-----------|
| شاخص | گری عاطفی |
| آماري | |
| Z | ۰٫۹۰ |
| P | ۰٫۲۰ |

با توجه به نتایج جدول ۴-۵ و سطوح معناداری بدست آمده هریک از متغیرهای پژوهش که بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد، دارای توزیع نرمال است؛ بنابراین داده های تمام متغیرها نرمال است و برای آزمون هریک از متغیرها می توان از آزمون های پارامتریک استفاده کرد.

■ همگنی واریانس ها

برای بررسی این مفروضه از آزمون لوین استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴-۶ ذکر گردیده است.

جدول ۴-۶. آزمون F لوین برای بررسی همگنی واریانس ها در دو گروه

| متغیرها شاخص | خودسرکوب |
|--------------|-----------|
| | گری عاطفی |
| ۱df | ۱ |
| ۲df | ۵۸ |
| F | ۸۰.۰ |
| Sig | ۳۷.۰ |

همان گونه که مشاهده می شود فرض تساوی واریانس ها برای همه متغیرها برقرار است ($p > 0.05$).
 باتوجه به مجموع پیش فرض های مطرح شده مشاهده می گردد که داده های این پژوهش قابلیت ورود به تحلیل واریانس و آزمون t مستقل را دارا می باشند و می توان تفاوت های دو گروه را در متغیرهای وابسته مورد بررسی قرار داد.
 فرضیه پژوهش: بین خودسرکوب گری عاطفی در زنان مورد خشونت و عادی تفاوت معنادار وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد.

جدول ۴-۹. آزمون های تحلیل واریانس چند متغیری

| شاخص | آزمون | ارزش | F | df فرضیه | df خطا | sig | ضریب ایتا |
|---------------|----------------|------|-------|----------|--------|-------|-----------|
| آماره اثر | | | | | | | |
| تفاوت گروه ها | اثر پیلا | ۴۳.۰ | ۹۰.۱۳ | ۰.۰۳ | ۰۰.۵۶ | ۰۰.۱۰ | ۴۳.۰ |
| | لامبدای ویلکس | ۵۷.۰ | ۹۰.۱۳ | ۰.۰۳ | ۰۰.۵۶ | ۰۰.۱۰ | ۴۳.۰ |
| | اثر هتلینگ | ۷۴.۰ | ۹۰.۱۳ | ۰.۰۳ | ۰۰.۵۶ | ۰۰.۱۰ | ۴۳.۰ |
| | بزرگ ترین ریشه | ۷۴.۰ | ۹۰.۱۳ | ۰.۰۳ | ۰۰.۵۶ | ۰۰.۱۰ | ۴۳.۰ |
| | روی | | | | | | |

نتایج جدول ۴-۹ نشان می‌دهد با روش تحلیل واریانس چندمتغیری، یک اثر معنی دار برای عامل گروه «متغیرمستقل» وجود دارد. این اثر نشان می‌دهد که حداقل بین یکی از مؤلفه‌های خودسرکوب گری عاطفی تفاوت وجود دارد (لامبدای ویلکس = ۰/۵۷، $p > ۰.۰۵$).

جدول ۴-۱۰. آزمون‌های تحلیل واریانس یک راهه در دل تحلیل واریانس چند متغیری

| شاخص آماری | منبع | SS | Df | MS | F | سطح معناداری | ضریب ایتا |
|-------------|-------|----------|-------|---------|-------|--------------|-----------|
| متغیرها | تغییر | | | | | | |
| پیشانی | گروه | ۷۵.۱۹۸۳ | ۰۰.۱ | ۷۵.۱۹۸۳ | ۴۷.۲۶ | ۰۰۱.۰ | ۳۱.۰ |
| | خطا | ۵۰.۴۳۴۷ | ۰۰.۵۸ | ۹۶.۷۴ | | | |
| خویشتن داری | گروه | ۷۵.۱۶۵۳ | ۰۰.۱ | ۷۵.۱۶۵۳ | ۷۳.۷ | ۰۰۷.۰ | ۱۲.۰ |
| | خطا | ۸۳.۱۲۴۱۰ | ۰۰.۵۸ | ۹۸.۲۱۳ | | | |
| تدافعی بودن | گروه | ۲۷.۸۳۶ | ۰۰.۱ | ۲۷.۸۳۶ | ۶۹.۱۴ | ۰۰۱.۰ | ۲۰.۰ |
| | خطا | ۶۷.۳۳۰۱ | ۰۰.۵۸ | ۹۳.۵۶ | | | |

نتایج جدول ۴-۱۰ نشان می‌دهد، تفاوت بین دو گروه در مؤلفه‌های پیشانی، خویشتن داری و تدافعی بودن تأیید می‌گردد. همانگونه که از نتایج جدول ۴-۱۰ ملاحظه می‌گردد سطح معناداری حاصل شده برای مؤلفه‌های پیشانی، خویشتن داری و تدافعی بودن در مقایسه با سطح معناداری ۰/۰۱۷ به دست آمده از اصلاح بنفرونی (تقسیم سطح معناداری ۰/۰۵ بر ۳ متغیر وابسته) کوچک‌تر می‌باشد. میزان تأثیر متغیر مستقل «معنادار بودن عملی» برای کل مؤلفه‌ها ۰/۴۳ بوده است، یعنی ۴۳ درصد کل واریانس یا تفاوت‌های فردی در مؤلفه‌های خودسرکوب گری عاطفی مربوط به مورد خشونت قرار گرفتن بوده است. همچنین میانگین‌ها نشان داد در مؤلفه‌های پیشانی، خویشتن داری و تدافعی بودن گروه زنان مورد خشونت واقع شده میانگین بالاتری دارند.

بحث و نتیجه گیری پژوهش:

بین خودسرکوب گری عاطفی در زنان مورد خشونت و عادی تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد با روش تحلیل واریانس چندمتغیری، یک اثر معنی دار برای عامل گروه «متغیرمستقل» وجود دارد. این اثر نشان می‌دهد که حداقل بین یکی از مؤلفه‌های خودسرکوب گری عاطفی تفاوت وجود دارد (لامبدای ویلکس = ۰/۵۷، $p > ۰.۰۵$). و تفاوت بین دو گروه در مؤلفه‌های پیشانی، خویشتن داری و تدافعی بودن تأیید می‌گردد. همانگونه که از نتایج جدول ۴-۱۰ ملاحظه می‌گردد سطح معناداری حاصل شده برای مؤلفه‌های پیشانی، خویشتن داری و تدافعی بودن در مقایسه با سطح معناداری ۰/۰۱۷ به دست آمده از

اصلاح بنفرونی (تقسیم سطح معناداری ۰/۰۵ بر ۳ متغیر وابسته) کوچک تر می باشد. میزان تأثیر متغیر مستقل «معنادار بودن عملی» برای کل مؤلفه ها ۰/۴۳ بوده است، یعنی ۴۳ درصد کل واریانس یا تفاوت های فردی در مؤلفه های خودسرکوب گری عاطفی مربوط به مورد خشونت قرار گرفتن بوده است. همچنین میانگین ها نشان داد در مؤلفه های پریشانی، خویشتن داری و تدافعی بودن گروه زنان مورد خشونت واقع شده میانگین بالاتری دارند. پژوهش های داخلی حاضر همسو است با پژوهش های ، کهتری، حشمتی و پورشریفی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان بررسی روابط ساختاری افسردگی بر مبنای اجتناب تجربه ای و سرکوبگری عاطفی: نقش میانجی شفقت بر خود انجام دادند. مواد و روش ها بدین منظور در تحقیقی توصیفی همبستگی و گذشته نگر ۲۴۱ نفر از دانشجویان دانشگاه تبریز به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب و از نظر میزان شفقت به خود، اجتناب تجربه ای، سرکوبگری عاطفی و افسردگی ارزیابی شدند. یافته ها نشان داد شفقت با افسردگی بیشترین ضریب مسیر را دارد ($\beta = -0/99$). این رابطه منفی و در سطح $P < 0/01$ معنی دار است. همچنین مسیر سرکوبگری عاطفی بر شفقت بر خود به صورت مثبت $P < 0/05$ معنی دار است ($\beta = 0/33$). اجتناب تجربه ای ($\beta = 0/31$) اثر مثبت و معنی داری ($P < 0/05$) با شفقت به خود دارد. اجتناب تجربه ای و سرکوبگری عاطفی از طریق شفقت به خود بر افسردگی اثر غیرمستقیم دارد. بر اساس یافته های تحقیق می توان نتیجه گرفت سرکوبگری عاطفی، اجتناب تجربه ای و شفقت به خود تعیین کننده های مهم افسردگی هستند و مدل مفروض برازش مطلوبی در تبیین افسردگی دارد. پژوهش های خارجی حاضر همسو است با پژوهش های ، بوتلر، دادراپ، انجل، گیوئس و کوربیشلی^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی به این نتیجه رسید که رابطه بین سرکوبگری عاطفی با افسردگی می تواند تحت تأثیر مؤلفه شفقت به خود قرار بگیرد. بر اساس نتایج فرد نمیتواند درباره احساسات خود که بخشی از وجودش است مهربان باشد و در عین حال آن را سرکوب کند.

منابع

- اسپنس، سوزان. (۱۹۹۷). درمان اختلالات جنسی ترجمه حسن توزنده جانی، مسعود محمدی، جهانشیر توکلی زاده و محمد دهگان پور (۱۳۸۶). تهران: انتشارات پیک فرهنگ.
- امرالهی، ریحانه؛ روشن چلسی، رسول، شعیری، محمد رضوانیک آذین، امیر. (۱۳۸۲). تعارض زناشویی، رضایت زناشویی و رضایت جنسی: مقایسه زنان دارای ازدواج های فامیلی و غیر فامیلی. دو فصل نامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، سال ۲۰، شماره ۸، صص ۱۱-۲۲.
- انجمن روان پزشکی آمریکا. (۲۰۱۳). راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی-DSM-5، ترجمه فرزین رضاعی و همکاران، تهران: انتشارات ارجمند، ویرایش
- انجمن روانپزشکان آمریکا (۲۰۰۰). متن تجدید نظر شده راهنمای تشخیصی و آماری اختلال- های روانی (DSM - IV). ترجمه محمدرضا نیکخو و مامایاک آوادایس یانس (۱۳۸۱). چاپ چهارم. تهران: انتشارات سخن.

^۱Beutler, Daldrup, Engle, Gues, Corbishley

اوحدی، بهنام. (۱۳۸۵). تمایلات و رفتارهای جنسی انسانچاپ هشتم. اصفهان: انتشارات صادق هدایت.

بای، فاطمه (۱۳۹۲). مقایسه اثربخشی زوج درمانی التقاطی دلبستگی پردازش شناختی با زوج درمانی شناختی بر سیر فرایند های روان شناختی جنسی، عملکرد جنسی زنان و رضایت جنسی همسران شان در شهر اصفهان. رساله دکتری مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.

بخشایش، علیرضا و مرتضوی، مهناز. (۱۳۸۸). رابطه ی رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی در زوجین. فصلنامه روانشناسی کاربردی سال سوم . شماره ۴. صص ۸۵-۷۳.

توکل، زینب؛ میر مولایی، سیده طاهره؛ مومنی موحد، زهره و منصوری، آسیه. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط عملکرد جنسی با رضایت جنسی در زنان مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی جنوب شهر تهران.

Ashdown, B. K., Hackathorn, J., & Clark, E. M. (2011). In and out of the bedroom: Sexual satisfaction in the marital relationship. *Journal of Integrated Social Sciences*, 2(1), 40-57.

Barrientos, J. E., & Páez, D. (2006). Psychosocial variables of sexual satisfaction in Chile. *Journal of sex & marital therapy*, 32(5), 351-368.

Basson, R. (2005). Women's sexual dysfunction: revised and expanded definitions. *Canadian Medical Association Journal*, 172(10), 1327-1333.

Basson, R., Berman, J., Burnett, A., Derogatis, L., Ferguson, D., Fourcroy, J., . . . Laan, E. (2000). Report of the international consensus development conference on female sexual dysfunction: definitions and classifications. *The Journal of urology*, 163(3), 888-893.

Basson, R., Leiblum, S., Brotto, L., Derogatis, L., Fourcroy, J., Fugl-Meyer, K., . . . Meston, C. (2004). Revised definitions of women's sexual dysfunction. *The journal of sexual medicine*, 1(1), 40-48.

Berger, R. & Hannah, M. (1999), *Preventive Approaches in couples therapy*. Philadelphia: Brunner/ Mazel.